



توسعه افق نگاه انسان معاصر به زندگی؛ شرط الگوبرداری از حضرت زهرا(س)

الگوبرداری از حضرت زهرا(س) در گرو گشوده شدن افق نگاه انسان معاصر به زندگی است و در صورتی که تشخیص معنوی و انسانی برای ما اصل باشد و نگاه حضرت(س) به زندگی برای ما ارزشمند تلقی شود، می‌توانیم از او الگوبرداری کنیم.

الگوبرداری از حضرت زهرا(س) در گرو گشوده شدن افق نگاه انسان معاصر به زندگی است و در صورتی که تشخیص معنوی و انسانی برای ما اصل باشد و نگاه حضرت(س) به زندگی برای ما ارزشمند تلقی شود، می‌توانیم از او الگوبرداری کنیم. فرزانه حکیمزاده، استاد جامعه الزهرا(س) و پژوهشگر دینی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی در پاسخ به پرسش از چگونگی الگوبرداری از حضرت فاطمه(س) پرداخت.

حکیمزاده در ابتدا با بیان این که در رابطه با این مطلب اولاً ما باید بفهمیم که الگو اصولاً چه معنایی دارد و چه کسانی می‌توانند الگو باشند، اظهار کرد: ما در این جا طبیعتاً داریم از الگوی دینی صحبت می‌کنیم و در این رابطه قرآن در سوره احزاب تصریح کرده است که «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست» (احزاب/21) منتها ادامه‌ای هم دارد و می‌فرماید «لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند». در این جا بیان می‌شود که قطعاً رسول خدا الگوی عملی نیکویی است، اما برای کسانی که امید به لقای خدا و یوم الآخر داشته باشند و با وجود این امید و این اطمینان، خدا را هم زیاد یاد کنند.

وی با بیان این که در اینجا شرطی برای الگوبرداری مطرح شده است، عنوان کرد: در الگو بودن رسول‌الله و این که ایشان فی‌نفسه و ذاتاً الگو هستند و تمام زندگی ایشان برای همه انسان‌ها در هر درجه‌ای از علم و دانایی که باشند الگوست، شکی وجود ندارد، منتها مسئله بعدی این است که چگونه ما می‌توانیم این الگوبرداری را انجام بدهیم و چگونه می‌توانیم این الگو بودن را در زندگی خودمان محقق کنیم. شرطی که قرآن برای الگوبرداری مطرح می‌کند این سؤال را پاسخ می‌دهد و در واقع با تأمین آن شرط است که این الگوبرداری محقق می‌شود.

حکیمزاده ادامه داد: قرآن بیان می‌کند که الگو بودن پیامبر(ص) برای کسی است که ایمان و امید به خدا و یوم الآخر دارد و خدا را زیاد یاد می‌کند. در واقع قرآن بیان می‌کند که کسی از معصومان الگوبرداری می‌کند و می‌تواند در چنین مسیری قرار گیرد که به خدا و روز بازپسین امید بسته است و خدا را فراوان یاد می‌کند.

وی گفت: چند سال پیش در روز تولد حضرت زهرا(س) از خانمی پرسیدند که الگوی شما کیست و الگویی که ایشان مطرح کردند یک شخصیت از یک سریال ژاپنی بود که در آن زمان از تلویزیون پخش می‌شد. ممکن است افراد زیادی باشند که این مطلب در اعتقادشان باشد و در زندگی‌شان هم به آن عمل کنند.

حکیمزاده با اشاره به وجود یک گره و مسئله در این جا که باعث می‌شود افرادی این گونه بیندیشند، گفت: نبود نگرش دینی که حضور زنده خداوند در آن برجسته باشد، عامل اصلی این آسیب است؛ در این جا مسئله اصلی که قرآن هم به آن اشاره می‌کند این است که انسان باید حقیقتاً به یک باور برسد و باید یک نوع نگرش خاص به زندگی و به دنیا و جهان داشته باشد. باید یک نگاه خاصی حقیقتاً در زندگی او بیاید؛ همچنان که آن جا که می‌گوید «یرجو الله» یعنی این نگاه و نگرش به حدی باشد که آن امید و آن اتکا و آن نقطه اتکال و آرزوی او و آن آمال و نقطه نهایی‌ای که تعقیب می‌کند خدا باشد.

وی بیان کرد: انسان در زندگی کارهای زیادی انجام می‌دهد اما باید آن چیزی که انتهای کار است و آن هدف و جهتی که زندگی را مشخص می‌کند خدا باشد. اگر چنین نگرش و باوری در انسان شکل گرفته باشد، باور به خدایی که خالق حکیم است و خلقتی حکیمانه دارد و هدف و جهتی در خلقت او هست، و با توجه آیه مذکور که به یوم الآخر اشاره دارد، این هدف و جهت را محدود به یک زندگی دنیایی ندانستیم و این که هدف از آفرینش و خلقت نمی‌تواند محدود به یک محدوده مادی باشد، در این صورت آن الگوبرداری میسر می‌شود.

حکیمزاده عنوان کرد: آن چیزی که در آن سریال ژاپنی مطرح بود یک خانم بسیار صبور، زحمت‌کش، مقاوم و سازگار با همه شرایط بود و واقعاً خیلی جذاب بود که شخصی همه این‌ها را در خود جمع کند. اما یک چیز اساسی که در این الگو مورد غفلت قرار گرفته است، این است که همه تلاش‌های این خانم و همه زحمات و همه صبوری‌ها و همه صفات خوبی که داشت واقعاً با چه دلیلی و با چه هدفی و چه انگیزه‌ای بود.

وی با بیان این که اگر تماشاگران خوب به فیلم دقت می‌کردند متوجه می‌شدند که همه این‌ها در محدوده یک زندگی مادی بود، اظهار کرد: واقعاً سر و ته زندگی این خانم در چه چیزی خلاصه می‌شد؟ ایشان این همه خون جگرها که می‌خورد و زحمت که می‌کشید برای این بود که اگر غذایش یک مدت ترب سفید است به ماهی تبدیل بشود. اگر فرض کنید که ایشان آرایشگری را دارد پیش کسی یاد می‌گیرد و این همه خون جگرها می‌خورد برای این است که خودش آرایشگر شود. اگر که این همه صبر می‌کند و همه سختی‌ها را تحمل می‌کند برای این که اگر در مغازه‌ای پارچه‌فروشی می‌کند این مغازه را مالک شود یا این که مغازه بزرگتری داشته باشد. و واقعاً آخر زندگی هم چه چیزی را نشان داد؟ به چه چیزی به چه صفتی رسیده بود؟ چه جایگاهی حاصل کرده بود که تفاوت داشت با هجده سالگی او جز این که خانه‌اش بزرگتر شده بود و جز این که مغازه‌اش بزرگتر شده بود

و خانمی بود که کاملاً پولدار بود و یک تشخص مادی داشت و نه یک تشخص انسانی و معنوی.

وی با بیان این که آن چیزی که واقعاً الگوی دینی را متفاوت می‌کند تفاوت نگاه به زندگی انسان است، اظهار کرد: این که انسان چه هدفی و چه جایگاهی دارد و اصلاً زندگی انسان چگونه زندگی‌ای است و چه تعریفی می‌شود برای یک زندگی انسانی داد و آیا واقعاً می‌شود انسان را در یک محدوده مادی خلاصه کرد؛ این ها سؤال هایی است که پاسخ به آن ها الگوی دینی را از الگویی همچون خانمی که به آن اشاره شد جدا می‌کند.

حکیمزاده ادامه داد: اگر کسی بخواهد این نگاه را داشته باشد که انسان را در این 60 و 70 سال، و در محدوده خوردن و خوابیدن و لذت بردن و رسیدن به عدالت اجتماعی و تولید بهینه و مصرف بهینه و ... خلاصه کند، اگر همین‌ها باشد اوصاف بلند و ویژگی های بی بدیل حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) لازم نیست و ایشان اصلاً چرا باید باشد؟ در این فضا حضرت(س) اصلاً الگو نیست و افراد دنیایی می‌تواند الگو باشد.

وی افزود: اما اگر ما یک افق بزرگتری را برای انسان گشودیم و یک نگاه جدید و یک نگاه متفاوتی در رابطه با این انسان و زندگی انسانی ترسیم کردیم و انسان را از این نگاه محدود خیلی بزرگتر دیدیم و به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین(ع) حتی بزرگتر از همه این جهان دیدیم، یعنی روح انسان و جایگاه روحانی انسان و آن تعالی روحی و صفات روحانی‌ای را که انسان می‌تواند پیدا کند در نظر گرفتیم، می‌توانیم از آن جایگاهی که امثال رسول‌الله(ص) و امثال فاطمه زهرا(س) به آن رسیده‌اند و شایسته انسان است صحبت کنیم. اگر ما این جایگاه را تعریف کردیم مسلم است که آن موقع هیچ وقت کسانی مانند این شخصیت ژاپنی نمی‌توانند الگو باشند و این ها صرفاً برای یک زندگی محدود که شامل غذای بهتر خوردن، لباس بهتر پوشیدن، ظاهر زیباتر داشتن، برای این جور چیزها، که خیلی خیلی محدود است و خیلی خیلی کم است، می‌توانند الگو باشند.

وی بر همین اساس الگوبرداری از حضرت زهرا(س) را در گرو شناختن وجه الگویی فاطمه(س) و گشوده شدن افق نگاه انسان معاصر به زندگی دانست و گفت: در صورتی که تشخص معنوی و انسانی برای ما اصل باشد و نگاه فاطمه(س) به زندگی برای ما ارزشمند تلقی شود می‌توانیم از او الگوبرداری کنیم.

حکیمزاده بر همین اساس با اشاره به سخن حضرت زهرا(س) که فرمودند «من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم»، عنوان کرد: ایشان می‌فرمایند از دنیای شما سه چیز را انتخاب کردم: یکی تلاوت قرآن که کتاب هدایت روح انسان‌هاست، یکی هم دیدار چهره رسول خدا(ص) و بعد هم می‌فرمایند: اتفاق در راه خدا. دو مورد اول نشان دهنده توجه به جنبه روحانی است و مورد سوم نشان دهنده آن چیزی است که ایشان از دنیا انتخاب کرده است و شما تفاوت این نگاه را با نگاه های دیگر ببینید.

وی با بیان این که این قسمت‌های زندگی ایشان است که واقعاً الگوست، اظهار کرد: آن کسی که ایشان را برای 1400 سال پیش می‌داند نشان می‌دهد که اصلاً توجهی نمی‌کند که الگو یعنی چه و از چه جنبه‌ای از جنبه‌های زندگی ایشان باید الگوبرداری شود. آیا برای مثال از ظواهر زندگی ایشان باید الگوبرداری شود؟

حکیمزاده بیان کرد: آن کسی که حقیقت الگو بودن معصومان(ع) را درک کرده است متوجه می‌شود که آن نگاهی که آنان به زندگی داشته‌اند باید الگوی ما باشد و آن جهتی که آن‌ها در زندگی دنبال می‌کرده‌اند باید هدف ما باشد و آن اهداف و آن مقاصدی را که آن‌ها در زندگی انسانی به ما نشان دادند، که خیلی مقاصد عالی و بزرگی هست، باید الگوی ما باشد.

وی افزود: البته زندگی عملی و گفتار و رفتار ایشان هم در جهت تأمین این مقاصد و اهدافشان بود و هر جا که لازم بود که ما باید با آن‌ها آشنا شویم و بفهمیم.